

بسم الله الرحمن الرحيم

امت برای حفاظت از مقدساتش به خلافت نیاز دارد، نه به پیمان‌های دفاعی!

(ترجمه)

خبر:

پاکستان و عربستان سعودی یک موافقت‌نامه مهم دفاعی مشترک امضا کردند. بر اساس این توافق، هرگونه تجاوز بر یکی از دو دولت، حمله بر دولت دیگر پنداشته می‌شود. این پیمان استراتژیک دفاعی روز چهارشنبه، ۱۷ سپتامبر ۲۰۲۵، در قصر الیمامه ریاض میان شهbaz شریف نخست‌وزیر پاکستان و محمد بن سلمان ولی‌عهد سعودی، به امضا رسید. (منبع)

تبصره:

پس از حمله رژیم یهود بر قطر در ۹ سپتامبر ۲۰۲۵، که رهبری سیاسی عالی‌رتبه جنبش حماس را هدف قرار داد، رسانه‌ها و مقامات دو دولت این توافق‌نامه را پاسخی به آن حمله معرفی می‌کنند. در پاکستان نیز سخنگویان رژیم آن را دستاوردی بزرگ و موفقیتی برای سیاست خارجی جلوه داده‌اند! حتی حکام با افتخار ادعا می‌کنند که وظیفه حفاظت از حرمین شریفین به آن‌ها سپرده شده است.

اما واقعیت چیز دیگری است. این توافق تازه‌ای نیست، بلکه ادامه‌ای از روابط دیرینه نظامی میان پاکستان و عربستان است که از سال ۱۹۶۷ آغاز گردید و پس از حادثه جهیمان در مسجدالحرام (۱۹۷۹) عمیق‌تر شد. در سال ۱۹۸۲ این روابط رسمی گردید و بر اساس آن، نیروهای سعودی آموزش می‌دیدند، مشوره می‌گرفتند و هزاران سرباز پاکستانی در عربستان جابه‌جا می‌شدند. عربستان به خریدار اصلی جنگ‌افزارهای پاکستانی مبدل شد. در ۲۰۱۵ نیز سعودی‌ها «ائتلاف اسلامی نظامی برای مبارزه با تروریسم» را اعلام کردند و فرمانده پیشین ارتش پاکستان، راحیل شریف، رهبری آن را بر عهده گرفت. اما با وجود تبلیغات گسترده، این ائتلاف هیچ‌گاه برای مقابله با تروریسم رژیم یهود در فلسطین به کار نرفت و پس از حمله بر قطر هم جز مانورهای نمایشی کاری از پیش نبرد.

اینکه مقامات پاکستانی از «افتخار حفاظت از حرمین شریفین» سخن می‌گویند، پرسشی مهم را به میان می‌آورد: چرا همان غیرت و اشتیاق را برای آزادسازی مسجدالاقصی، نشان نمی‌دهند؟ مسجدی که از سال ۱۹۶۷ به اشغال یهود درآمده و هر روز هتک حرمت می‌شود؟!

از ۷ اکتوبر ۲۰۲۳ به این سو، مسلمانان در پاکستان بارها از ارتش خواسته‌اند تا برای یاری غزه، آزادسازی مسجدالاقصی و محو رژیم یهود اقدام کند؛ اما این درخواست‌ها همواره با بهانه‌هایی چون ناامنی در خیبر پختونخوا و بلوچستان یا تهدید هند رد شده است. با این همه، نه شورش‌ها کاهش یافته و نه تهدید هند از میان رفته است. برعکس، دهلی نو آماده است که «عملیات سندور» را علیه پاکستان از سر گیرد. بنابراین مشکل در توانایی نظامی نیست؛ مشکل در سیاست‌های تحمیلی امریکا است. توافق تازه نیز در همین چارچوب، در خدمت منافع امریکا است و بعید است رژیم‌های وابسته در پاکستان و عربستان مستقلانه چنین تصمیمی گرفته باشند.

مفاهیم مانند «ناتوی اسلامی» چیزی جز فریب نیست؛ تلاشی برای آرام کردن خشم امت در برابر بی‌عملی حکام نسبت به غزه. توافقی‌های دفاعی تنها در خدمت تخت و تاج حکام است، نه در خدمت مقدسات امت. آنان برای حفاظت از نظام‌های خود متحد می‌شوند، اما برای آزادسازی فلسطین هرگز! چنین توافقی‌هایی هیچ‌گاه علیه اتحاد امریکا و یهود فعال نخواهد شد.

وحدت مسلمانان نه بر مبنای پیمان‌های دفاعی و ائتلاف‌های سیاسی سست، بلکه تنها بر اساس عقیده اسلامی شکل می‌گیرد. رهایی امت در برپایی خلافت بر منهج نبوت است؛ خلافتی که به رهبری خلیفه‌ای واحد، مسلمانان را زیر پرچم توحید گرد آورد. هر آنچه غیر از این باشد؛ چه سازمان همکاری اسلامی، چه اتحادیه عرب و چه پیمان‌های دفاعی، چیزی جز فریبکاری نیست.

﴿إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ﴾ [الانبیاء: ۹۲]

ترجمه: به راستی این، امت شماسست؛ امتی واحد و یکپارچه. و من، پروردگار شما هستم؛ پس مرا عبادت و پرستش کنید.

نویسنده: شاهزاد شیخ – ولایه پاکستان

30 ربیع الاول 1447 ه.ق.

22 سپتامبر 2025 م.

مترجم: عبدالرحمن مستنصر